

ادامه دهند.

ملت ما به برکت انقلاب اسلامی و رهبری انقلابی و حکیم آن، با دست گذاشتن روی منشأ اصلی بیماری باطنی جوامع غربی و غرب‌زده، قریب چهل سال است که به مبارزه خود در داخل و منطقه و حتی سطح جهانی ادامه داده است؛ بنابراین ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی و پس از کرونا هم می‌توانند و لازم است که به صحنه بیابند و تسکینی بر دردها و التیامی بر زخم‌های واقعی بشر باشند.

۶- نقش آفرینی بین‌المللی در انسانی ساختن جهان جدید

ملت ایران که صاحب تمدن‌های بزرگ و

استیصال قدرت‌های بزرگ در مواجهه با کرونا نشان داد که عقل‌ابزاری بشر و فناوری پیشرفته برای تأمین سعادت دنیوی او کفایت نمی‌کند و تمدن بشری از یک‌طرف به هدایت و نجات الهی و معنویت و هویت و از سوی دیگر به حضور مردم و انسجام اجتماعی نیازمند است.

برخوردار از ظرفیت‌های بزرگ انسانی و زمینه‌های تاریخی بوده‌اند و جوانان غیرتمدنی که هرکدام خود را یک قاسم سلیمانی می‌دانند، اکنون این توان را دارند که با استفاده از تجربه چهل سال گذشته و البته با انجام آسیب‌شناسی بدون تعصب، نقش مؤثری در شکل دادن به نظم و جهان جدید در داخل کشور و منطقه و حتی سطح جهانی داشته باشند. موضوع مهم این است که اگر در ایجاد نظم و جهان آینده، مشارکت فعال نداشته باشیم، به همان سرنوشتی دچار خواهیم شد که پس از رویدادهای بزرگ مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم به ایران تحمیل شد؛ اولاً تمامی دستاوردهای انقلاب اسلامی را از دست خواهیم داد و ثانیاً هرگونه تغییر در ساختار قدرت‌های بین‌الملل (برابر تجربه‌های تاریخی) تأثیرات زیادی بر

کرد. رمز نجات مردم دنیا از تنهایی، ارتباط صادقانه با خدای متعال در کنار پیشرفت‌های مادی و فناورانه است.

۵- جهان جدید انسانی یا انزواگرایی

واقعیت این است که پیامدهای اقتصادی، انسانی و سیاسی کرونا و بیماری باطنی و فکری فعال شده و جرقه‌خورده جهان غرب از کنترل آمریکا و اروپا خارج و بازی بین‌المللی به شرق و آسیا منتقل خواهد شد و جهان جدید را آسیایی‌ها رقم خواهند زد. جهان جدید یا تکرار تاریخ به شکل دیگری خواهد بود؛ ولی آیا ظلم و فساد ادامه خواهد یافت یا آزادی خواهان و عدالت خواهان وارد صحنه می‌شوند و با جنبش‌ها و نهضت‌های انقلابی یک دنیای جدید انسانی را می‌سازند؟

آسیا ظرفیت تمدنی بسیار بزرگ‌تری از غرب دارد؛ تمدن‌های بزرگ اسلامی، چینی، هندی، ایرانی در آسیا قرن‌ها جریان داشته، ولی این به‌تنهایی سبب ایجاد تمدنی با برتری جهانی نمی‌شود و تمدن غرب‌گرا باید ردای برتری خود را از تن به درآورد؛ غرب برای توازن با شرق به مبارزه ادامه خواهد داد و با شکل‌گیری فضای رقابتی سخت، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی در جهان آشکار خواهد شد!

بی‌تردید در چنین برهه خطیری، ملت پرافتخار ایران و اندیشمندان و روشنفکران و علمای انقلابی آن، ظرفیت نقش آفرینی مؤثری را در ایجاد نظم و جهان جدید دارند. سابقه تاریخی ملت ما، چه قبل از اسلام و چه پس از آن، نشانگر این توانایی است. اکنون بیش از چهل سال است که ملت ما پرچم یک نظم و ایدئولوژی جدید و نماد ارزش‌ها و فرهنگ انسانی را برافراشته و روشنگری و مقابله علیه اندیشه و فرهنگ و تمدن غربی را آغاز کرده است؛ از یک‌طرف در مقابل جنایات صهیونیسم و استکبار آمریکایی ایستاده و آن‌ها را در منطقه غرب آسیا با مشکلات جدی مواجه کرده و از سوی دیگر نظامات سیاسی، دفاعی و امنیتی پیش‌برنده‌ای را به وجود آورده است.

باید اذعان کنیم که غرب‌زده‌ها در اقتصاد و فرهنگ ما مقاومت می‌کنند و هنوز نتوانسته‌ایم یک اقتصاد قوی اسلامی- ایرانی در جامعه‌مان بنا کنیم؛ ولی پشتوانه آن اخلاک‌گراان اقتصادی به‌زودی فرومی‌ریزد؛ البته نیروهای انقلاب باید با پشتوانه‌ای علمی‌تر و اندیشه‌ای قوی‌تر به مبارزه خود علیه آن‌ها

آشکار شود. این گروه، هم در نظریه‌پردازی و هم در عمل فعال شده‌اند. در این راستا کنگره آمریکا برای جلوگیری از شدت بیکاری و رکود اقتصادی، یک وام بزرگ دو تریلیون دلاری تصویب کرده، اما در عین حال، معتقد است که بدون کمک مردم، دولت‌ها قادر نیستند کاری انجام دهند. این در حالی است که اروپا همین منبع تأمین وام را هم ندارد و بر این اساس نخستین منطقه‌ای است که با بحران عمیق پس از کرونا مواجه خواهد بود.

گروه دوم که انگشت اتهام دستکاری بیولوژیک و پاندمی کرونا به‌سوی آن‌ها است و بیشتر با اردوگاه صهیونیسم در ارتباط‌اند، تلاش می‌کنند با نفوذ در کشورهای پیروز علیه کرونا و ایجاد نظمی جدید که پس از فروپاشی نظم کنونی به وجود می‌آید، به حیات خود ادامه دهند تا از وقوع تحول واقعی در زندگی بشر و ایجاد نظم انسانی و عادلانه در روابط بین‌الملل جلوگیری کنند. این‌ها همان گروهی هستند که در کنار نومحافظه‌کاران، «بوش» را بر سر کار آوردند و انگشت اتهام انفجار در برج‌های دوقلو به‌سوی آن‌ها نشانه رفته است؛ همان کسانی که عامل لشکرکشی به عراق و افغانستان بودند و نتوانستند چنانکه می‌خواستند نظم نوین آمریکایی- صهیونیستی را ایجاد کنند و در آن پروژه با شکست مواجه شدند؛ با وجود این دوباره به راه افتاده و فعال شده‌اند تا با سوءاستفاده از فرصت پیش‌آمده پس از کرونا و شکل‌دهی به نظم مطلوب خود، اجازه ندهند بشریت به دردهای اساسی خود بیندیشد و آن‌ها را درمان کند.

گروه سوم کسانی هستند که با ایجاد مذاهب فریبنده، از تمسک به گوساله سامری گرفته تا تقویت واپس‌گرایی ناسیونالیستی و هویت‌های کاذب، در تلاش برای خروج انسان از تنهایی‌اند.

چگونه و از کجا باید آغاز کرد؟

در حقیقت، چاره‌جویی برای دردهای عمیق بشر عصر حاضر، جز با استمداد از خدای متعال ممکن نیست. استیصال قدرت‌های بزرگ در مواجهه با کرونا نشان داد که عقل‌ابزاری بشر و فناوری پیشرفته برای تأمین سعادت دنیوی او کفایت نمی‌کند و تمدن بشری از یک‌طرف به هدایت و نجات الهی و معنویت و هویت و از سوی دیگر به حضور مردم و انسجام اجتماعی نیازمند است. بدون ارتباط با خدا نمی‌توان با دیگران و حتی با خود حقیقی خویش ارتباط برقرار